

ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با تأکید بر نظر کارشناسان (مطالعه موردی شهر زاهدان)

فرشته شیبانی مقدم^{۱*}، رحیم سرور^۲

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

^۲ استاد گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۴

چکیده

یکی از تبعات فرایند جهانی رشد و گسترش شهرها، شکل‌گیری محلات فقیر در حاشیه شهرها است؛ و از جمله مسائلی است که همواره موضوع مطالعه و برنامه‌ریزی مجامع بین‌المللی در بسیاری از شهرهای جهان بوده است. برای حل این مسأله، رویکرد توانمندسازی در دهه ۱۹۸۰ مطرح، که اجتماعات غیررسمی را نه به عنوان یک معضل بلکه به عنوان یک دارایی اجتماعی می‌نگرد تا توانمندسازی را جایگزین فرهنگ فقر بنماید. بنابراین تحقیق حاضر به بررسی میزان موفقیت طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان، با استفاده روش‌های آماری و نگرشی کمی-کیفی کارشناسان پرداخته است. این پژوهش از لحاظ هدف و ماهیت، کاربردی به شمار می‌آید که در مطالعات میدانی از مصاحبه با کارشناسان استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طرح ساماندهی و توانمندسازی زاهدان در محدوده بافت غیررسمی شهر مطابق با امکانات مالی و بودجه شهرداری و توان اقتصادی شهروندان تدوین نشده است.

کلمات کلیدی: طرح ساماندهی و توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی، شهر زاهدان

مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحولات اجتماعی در نیم‌قرن اخیر توسعه شهرنشینی است (نظریان، ۱۳۹۰: ۳۲) رشد شهرنشینی به نحوی که پیش می‌رود، جستجو برای شکلی از توسعه شهری را که مؤید یک قلمروی بشری پایدار و قابل زندگی باشد، به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بشر تبدیل کرده است (Caves, 2005: p56). در واقع، فرایند شهرنشینی پدیده‌ای است که در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای در کشورهای در حال توسعه متمرکز شده است. اگرچه آهنگ تغییر به طور قابل توجهی میان کشورها و مناطق مختلف متفاوت بوده، اما در واقع همه‌ی کشورهای در حال توسعه به شدت در حال شهری شدن می‌باشند (Pacione, 2005: p 4). که این امر منجر به فعل و انفعالات پیچیده نهادی، فناورانه، جمعیتی است که مناطق شهری را به یکی از مهم‌ترین سیستم‌های دینامیکی تبدیل نموده و پیوند دهنده مشکلات زیست‌محیطی، جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی می‌باشد (Jidauna, 2011, Masek et all, 2000, Yang & LO, 2014, Ndabula et all, 2014). جریان توسعه شهرنشینی در ایران نسبت به جوامع صنعتی با یک قرن تأخیر، رخ داد، هرچند فرآیند و حتی خصوصیات شهرنشینی در کشورهای توسعه‌نیافته به کلی با کشورهای صنعتی متفاوت است و در واقع یک جریان برون‌زا تلقی می‌شود، اما در اصل، حاصل کار دارای تفاوت ماهوی نیست. حاصل توسعه، شکل گرفتن تجمعات عظیم انسانی و اسکان در مجموعه‌های فاقد نظام شهری است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۱۷). یکی از پیامدهای این افزایش جمعیت در شهرها، اسکان غیررسمی است که در نتیجه شهرنشینی شتابان و به تبع آن پیشی گرفتن نیازها از امکانات و ظرفیت‌های موجود در یک جامعه و ناتوانی بخش رسمی و مدیریت در تأمین و تدارک نیاز سرپناه و مسکن بخش عمده‌ای از فقرا شهری شکل گرفته است (شکوئی، ۱۳۷۳: ۴۵۲). این مسئله در جهان فراگیر بوده و خاص کشورهای مشخص نیست و نه تنها در کشورهای جنوب بلکه تا حدودی در کشورهای شمال هم می‌توان نمونه‌های متعدد اما متفاوت از هم را پیدا کرد (Emer, 2008: p112). اسکان غیررسمی در ایران، برآیندی از عدم تعادل در ساختارهای محلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، رهیافت هوشمندانه‌ای از تأمین مسکن در بازار غیررسمی توسط اقشار کم‌درآمد است که در پاسخ به نیازهای سکونتی‌شان و در فقدان سازوکارهای رسمی شکل گرفته و در حال گسترش است که با توجه به مسایلی که در زمینه اسکان غیررسمی برای کلانشهرها و حتی شهرهای میانی بوجود آمده است رویکردهایی در قبال حل مسأله مورد توجه قرار گرفته است و حتی در مواردی سیاست تخلیه و تخریب در برخی کلانشهرهای ایران نیز به چشم می‌خورد (زالی و همکاران، ص ۱۱۶). اما شیوه متداول در برخورد با این مسئله راهکارهای مکانیکی و کالبد نگر در چارچوب طرح‌ها و قوانین شهری مصوب، بدون توجه به پیامدهای آن بوده است. در این میان سیاست‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولتی، مدیریت شهری غیر واحد، ضوابط و مقررات شهرسازی مصوب، طرح‌های توسعه شهری (جامع و تفصیلی) و واسطه‌های زمین و مسکن در شکل‌گیری و تشدید بحران‌های موجود در این سکونتگاه‌ها نقش اساسی داشته‌اند (بردی‌آنارادانژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۶۷). تجارب کشورهای مختلف در زمینه برخورد با پدیده اسکان غیررسمی نشان می‌دهد که بسیاری از رویکردها به دلیل بی‌توجهی به ماهیت این سکونتگاه‌ها در حل مسئله ناتوان مانده‌اند، در این بین به نظر می‌رسد رویکرد توانمندسازی که به نحوی جدیدترین و جامع‌ترین رویکرد در برخورد با اسکان غیررسمی است؛ بهتر ماهیت این سکونتگاه‌ها را مدنظر قرار داده چراکه در این رویکرد

با نگاهی منصفانه‌تر اجتماعات محلی اسکان غیررسمی را دارای توان‌ها و ظرفیت‌های متعددی می‌داند و با نگاهی چندجانبه‌تر و جامع‌تر، ارتقاء تمام این پدیده را مدنظر دارد (Geuze, 2009: p34). در این رویکرد سعی بر این است با افزایش توانمندی‌های مردم، اولاً از نظر سطح زندگی شرایط آن‌ها بهبود پیدا کند و مدار فقر و محرومیت آن‌ها کم‌رنگ‌تر گردد (Morgan, 2016: p64). و هم اینکه سعی می‌گردد با ارتقاء و به‌کارگیری توان‌ها و ظرفیت‌های آن‌ها، موانع مشارکت را از بین برده و موجبات مشارکت فراگیر این اجتماعات را در بهبود کالبدی محل زندگی فراهم نماید (حسین‌آبادی، ۱۳۹۱: ص ۲۵). اگرچه طرح‌های شهری، به‌ویژه طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی با صرف هزینه و وقت زیادی تهیه شده‌اند و تأثیرات خوب و قابل توجهی بر بهبود وضعیت اسکان غیررسمی در مناطق شهری داشته‌اند، لکن به دلایلی، امکان تحقق بخشیدن به همه اهداف مورد نظر، فراهم نشده است. زیرا در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بدون توجه به تفاوت‌های ساختاری موجود در الگوی شهرنشینی در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از این طرح‌ها به‌منظور بهبود شرایط زندگی در مناطق شهری بهره برده‌اند که نتایج مورد انتظار طرح به‌هیچ وجه برآورده نشده است (پیری و رضاییان، ۱۳۹۳: ص ۶۳). این امر را هم می‌توان در مناطق اسکان غیررسمی شهر زاهدان به‌خوبی مشاهده نمود چنانچه قریب به یک‌سوم جمعیت و فضای شهری زاهدان را مسکن غیررسمی و جمعیت حاشیه‌نشین به خود اختصاص داده‌اند.

شهر زاهدان به علت هم‌جواری با کشورهای افغانستان و پاکستان با بسیاری از اقوام این کشورها دارای اشتراکات قومی، نژادی و مذهبی است از سوی دیگر ناپایداری سیاسی و اقتصادی حاکم بر افغانستان باعث مهاجرت تعداد بسیار زیادی از افغان‌ها به شهر زاهدان گردید. همچنین ویژگی‌های خدماتی، تجاری و موقعیت مکانی این شهر، بودن بر سر راه خراسان، کرمان و دیگر شهرهای استان، جاذبه‌هایی را برای اقشار مختلف از جمله سیستانی‌ها، بلوچ‌ها کرمانی‌ها، خراسانی‌ها و سایر شهرها ایجاد نموده است (پیران، ۱۳۸۱: ص ۴۵). مجموعه عوامل فوق باعث گردیده که این شهر در واقع به یکی از مهاجرپذیرترین نقاط شهری ایران مبدل گردد. کمیابی و گرانی زمین و مسکن در کالبد اصلی شهر زاهدان موجب گردیده تا جمع کثیری از مهاجرین این شهر که بدون رعایت ضوابط و قوانین شهرسازی در قالب ساخت‌وسازهای غیرمجاز و غیرقانونی اقدام به احداث آلونک‌های خشت و گلی با اشکال نابهنجار فضایی-کالبدی در حواشی شهر نموده‌اند، به حاشیه رانده شوند. چنانچه قریب به یک‌سوم جمعیت و فضای شهری زاهدان را مسکن غیررسمی و جمعیت حاشیه‌نشین به خود اختصاص داده‌اند بر این اساس محدوده مورد مطالعه این پژوهش سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان شامل شیرآباد، کریم‌آباد، کارخانه نمک، بابائیان، مرادقلی، چلی‌آباد، نوک‌آباد، غریب‌آباد و پشت‌گاراژ می‌باشد. بنابراین با توجه به روشن شدن ابعاد اصلی طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی و با توجه به سوابق موجود در ایران و جهان و همچنین شرایط موجود در بافت‌های غیررسمی شهر زاهدان محقق در این پژوهش در پی یافتن این سؤال که پس از گذشت چند دهه از اجرای طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی در بافت‌های غیررسمی شهر زاهدان تا چه میزان این طرح‌ها در رسیدن به اهداف ساماندهی و توانمندسازی موفق بوده است؟ و علل تحقق یا عدم تحقق اهداف این طرح چه عواملی بوده است؟

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، به صورت اسنادی و میدانی و از لحاظ هدف و ماهیت موضوع مورد بررسی، از نوع تحقیقات کاربردی به شمار می‌آید. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به شمار می‌رود. در مطالعات اسنادی از منابع داخلی و خارجی موجود در رابطه اسکان غیررسمی و راهبرد توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و گزارش‌ها و طرح‌های موجود شهر زاهدان استفاده گردیده است. همچنین در مطالعات پیمایشی و میدانی نیز از مصاحبه با کارشناسان و مشاهده وضعیت کالبدی - اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر زاهدان استفاده شده است. داده‌های به دست آمده از طریق ۳۰ پرسشنامه در بین کارکنان سازمان‌های ذی ربط شهری (شهرداری زاهدان، سازمان عمران و بهسازی شهری زاهدان و ...) توزیع شد و سپس در نرم‌افزار تحلیل آماری Spss مورد آزمون و سنجش قرار گرفتند.

فرضیه‌های پژوهش:

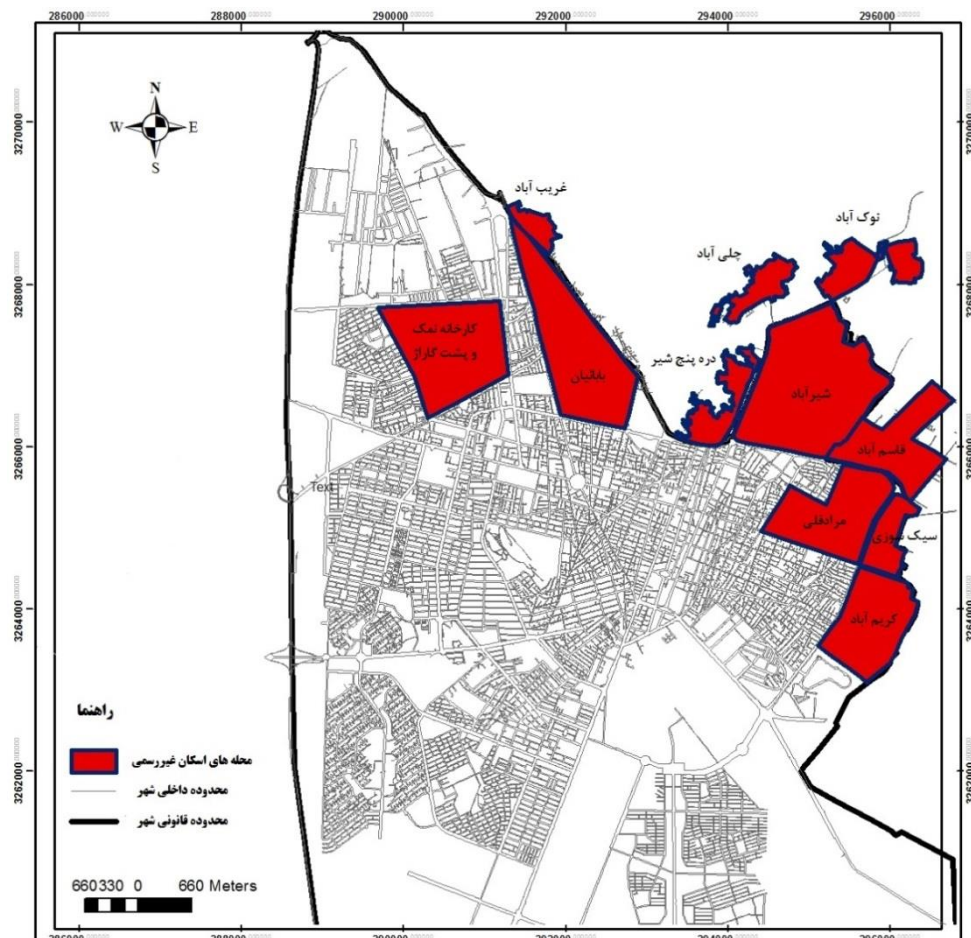
به نظر می‌رسد که از نظر کارشناسان طرح بهسازی و توانمندسازی سکونت گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان مطابق با توان مالی ساکنان و بودجه شهرداری تدوین نشده است.

به نظر می‌رسد که از نظر کارشناسان هماهنگی بین سازمان‌های متولی اجرای طرح‌های سکونت گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان وجود ندارد.

به نظر می‌رسد که از نظر کارشناسان شرکت‌های عمرانی سرمایه‌گذار (بومی) می‌تواند با توجه به واقعیت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی شهروندان ساکن سکونت گاه‌های غیررسمی موفق عمل کنند...

قلمرو پژوهش

شهر زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان در شرق ایران و نزدیک مرز ایران و کشورهای افغانستان و پاکستان قرار دارد. این شهر مرکز شهرستان زاهدان است (شکل ۱). وسعت زاهدان ۸۱۲۳ هکتار و از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۵۱ دقیقه و ۲۵ ثانیه شرقی و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۴۵ ثانیه شمالی قرار دارد. شهر زاهدان یکی از شهرهای کم برخوردار کشور به لحاظ برخورداری از امکانات و خدمات رفاهی برای ساکنین تلقی می‌شود. مرزی بودن شهر، اشتراکات فرهنگی با دو کشور افغانستان و پاکستان، خط ترانزیت کالا و مواد مخدر باعث عدم برخورداری شهر از پتانسیل‌های مؤثر بر زندگی شهری شده است؛ به طوری که اغلب مهاجرین داخلی و خارجی شهر به علت مشکلات مالی، حاشیه شهر را که به عنوان مأمن اختیار کرده‌اند که این ساختارها بیشتر در قسمت شمال و شمال شرقی و شمال غربی شهر واقع شده‌اند (سرگلزایی جوان و هادیانی، ۱۳۹۵: ۱۹۹).



شکل ۱: سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زاهدان

یافته های پژوهش

آمار استنباطی

آمار استنباطی به دو مقوله جداگانه تقسیم می‌شود، آمار استنباطی پارامتریک و آمار استنباطی ناپارامتریک. در شیوه‌های استنباطی آماری پارامتریک، محور اساسی مسئله، آگاهی از شکل تابع توزیع جامعه‌ای است که نمونه از آن انتخاب شده است که جمعیت یا جمعیت‌های مورد نمونه برداری حداقل باید به طور تقریبی از توزیع نرمال برخوردار باشند. شیوه‌هایی که فرضیه را آزمون می‌کنند، موضوع آن پارامتر جامعه نیست و یا توزیع جامعه مورد نمونه برداری آن‌ها نرمال نیست، به عنوان آمار استنباطی ناپارامتریک رده‌بندی می‌شوند. در تحقیق حاضر نیز، استنباطی از روش‌های ناپارامتریک در نمونه‌ی مربوط به صاحب نظران استفاده شده است؛ به دلیل اینکه اولاً تعداد نمونه‌ها زیاد نیست و ۳۰ عدد می‌باشد، ثانیاً مقیاس اندازه‌گیری کیفی و یا در نهایت ترتیبی است.

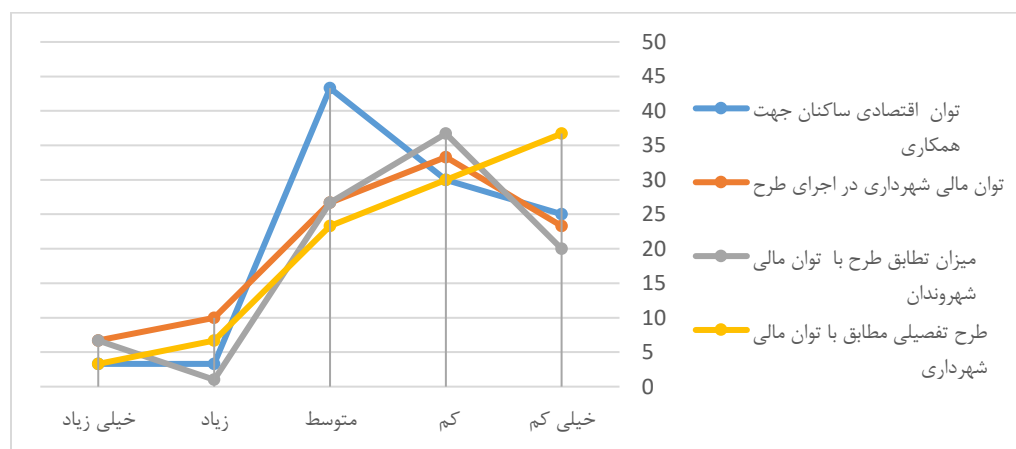
فرض اول: تطابق طرح بهسازی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان متناسب با توان مالی ساکنان و بودجه شهرداری

جدول فراوانی (۱) و نمودار هیستوگرام نحوه‌ی پاسخ گویی به هر یک از شاخص‌های فوق را توسط نمونه‌ی آماری یا حجم ۳۰ نفر، نشان می‌دهد:

جدول ۱: توزیع فراوانی شاخص‌های نظام مالی شهرداری و توان اقتصادی ساکنان

گویه‌ها	تعداد/ درصد	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
توان اقتصادی ساکنان جهت همکاری	تعداد	۶	۹	۱۳	۱	۱
	درصد	۲۰	۳۰	۴۳/۳	۳/۳	۳/۳
توان مالی شهرداری در اجرای طرح	تعداد	۷	۱۰	۸	۳	۲
	درصد	۲۳/۳	۳۳/۳	۲۶/۷	۱۰	۶/۷
میزان تطابق طرح با توان مالی شهروندان	تعداد	۶	۱۱	۸	۳	۲
	درصد	۲۰	۳۶/۷	۲۶/۷	۱	۶/۷
طرح مطابق با توان مالی شهرداری	تعداد	۱۱	۹	۷	۲	۱
	درصد	۳۶/۷	۳۰	۲۳/۳	۶/۷	۳/۳

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸



شکل ۲: نمودار هیستوگرام توزیع فراوانی شاخص‌های نظام مالی شهرداری و توان اقتصادی ساکنان

به دلیل نبود زیربنایی اقتصادی مناسب، شهروندان از توان اقتصادی مناسبی برخوردار نیستند بنابراین شهروندان به دلیل مشکلات مالی در سطح کم و خیلی کم می‌توانند برای اجرایی شدن طرح همکاری نمایند. البته تعدادی از کارشناسان میزان توان و همکاری شهروندان را متوسط اعلام کرده‌اند، اما با توجه به واقعیات موجود احتمال همکاری شهروندان به لحاظ اقتصادی بسیار کم می‌باشد. شهرداری به عنوان نهاد مجری طرح به صورت کلی توان محدودی در ایجاد سازوکارهای مورد نیاز دارد و

از طرفی هم طرح های موجود متناسب با توان اقتصادی شهروندان طراحی نشده اند. این مسئله رابطه مستقیمی با بی توجهی مسئولان مجری طرح های توسعه شهری زاهدان دارد. در دوره های گذشته و به صورت یک دور تسلسل این شکنندگی در ساختارهای زندگی اقتصادی شهروندان و شهرداری برای اجرا و همکاری در طرح ها ادامه داشته است. کارشناسان میزان تطابق طرح ها با توان مالی شهرداری را در سطح بسیار کم و کم دانسته اند.

جدول ۲: برآورد میانه جهت آزمون سوال

Sing test for median: HYP1						
Sing test of median	3.00 versus > 3.000					
HYP1	N	Below	Equal	Above 1	P	Median
	۳۰	۲۳	۲	۵	۰/۹۹۹۹	۲/۵۰

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۸

طبق جدول (۲) مقدار برآورد میانه پاسخ ها برابر با ۲/۵ است و مقدار احتمال محاسبه شده نیز برابر با ۰/۹۹ است. با توجه به اینکه مقدار احتمال کمتر از مقدار خطای نوع اول که برابر با ۰/۰۵ است، بر این اساس فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان رد نمی شود. بنابراین طرح بهسازی و توانمندسازی مطابق با توان مالی ساکنان و بودجه شهرداری جهت تحقق در سکونتگاه های غیررسمی شهر زاهدان تدوین نشده است.

پهنه شمالی شهر زاهدان از نظر شاخص های مرسوم اقتصادی نه تنها در وضعیت بحرانی قرار دارد بلکه اساساً ساختار اقتصادی آن در حال اضمحلال کامل و تصرف حوزه اقتصاد توسط اقتصاد سیاه و غیرقانونی است. اقتصاد در این وضعیت تنها پذیرنده فقر بیشتر و ناکامی مطلق توسعه است. هیچ ساختار رشد یابنده و انباشت سرمایه قابل ملاحظه ای در پهنه شمالی دیده نمی شود و تنها سرمایه موجود یعنی کاربری مسکونی نیز در اوج بی کیفیتی و در نهایت استهلاک است. پیدا کردن بنایی باارزش در پهنه شمالی کاملاً دشوار است و محدود ابنیه ارزشمند از نظر اقتصادی روایت گر استمرار و گسترش پهنه ای نیست چراکه اغلب این نوع انباشت ها هم محصول اقتصاد ناسالم غیرقانونی است و هم در مسیر اقتصاد ناسالم و غیرقانونی قرار دارد. از این رو تدوین شاخص های مؤثر بر کمیت و کیفیت فعالیت های اقتصادی شهر و پهنه تنها با رویکرد بازآفرینی اقتصادی و ایجاد یک ساختار اولیه اقتصادی امکان پذیر است. قابل ذکر است که بخش های اقتصادی فعال در پهنه شمالی کاملاً از یکدیگر گسسته است و به تعبیری هیچ جدول داده- ستاده ای برای آن قابل ترسیم و تصور نیست. هیچ بخشی کامل نیست و فعالیت بخش های اقتصادی از نظر بازار و تأمین کالای واسطه ای و یا محصول نهایی به محیط بیرونی وابسته هستند. از یکسو تکامل نیافتگی ساختار اقتصاد در پهنه شمالی، توان عرضه محصول و سطح خدمات دهی را به شدت کاهش داده است و قدرت گردش مالی بالایی ندارد. از همین رو در این پهنه صرف نظر از موضوع امنیت، شاهد حضور بسیار کم رنگ مؤسسات پولی و اعتباری هستیم. با توجه به عدم نقش پذیری پهنه در اقتصاد شهری عدم وجود فعالیت های اثرگذار در بخش های صنعت و خدمات کاملاً مشهود است. علاوه بر این بخش خدمات نیز از فعالیت های حرفه ای و عمده فروشی ها کاملاً دور مانده است. بخش مهمی از دلایل درماندگی ساختاری در اقتصاد پهنه شمالی، به فقدان زیرساخت ها، عدم تکافوی سرمایه و فقدان مهارت و پایین بودن سطح تحصیلات متقاضیان

کار برمی‌گردد. بنابراین بازآفرینی اقتصادی از یکسو به بازآفرینی کامل ساختار اقتصادی در این پهنه ارتباط دارد و از یکسو به سیاست‌های حمایتی درون‌بخشی مانند بازآفرینی ساختار سکونت، بازآفرینی ساختار بهداشت، سلامت و تأمین اجتماعی، بازآفرینی ساختار آموزشی و بالاخره بازآفرینی ساختار پولی و مالی بستگی دارد. هر ساختار اقتصادی بدون تکامل ساختارهای درون‌بخشی قطعاً با شکست و بازگشت چرخه فقر منجر خواهد شد.

فرض دوم: تأثیر هماهنگی سازمانی و مقررات موجود با قوانین طرح بهسازی و توانمندسازی جهت تحقق

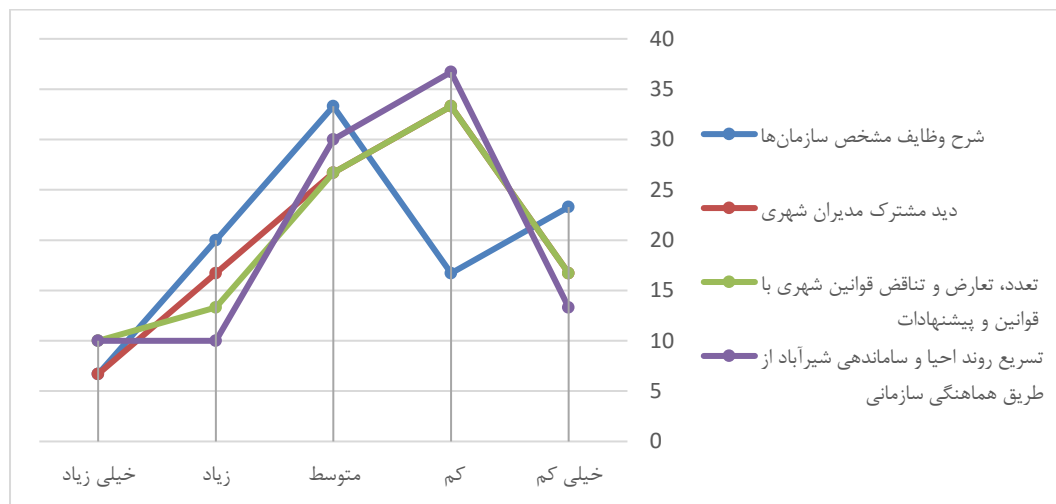
پذیری طرح بهسازی و توانمندسازی زاهدان

جدول فراوانی (۳) و نمودار هیستوگرام و نحوه‌ی پاسخ‌گویی به هر یک از شاخص‌های فوق توسط نمونه‌ی آماری با حجم ۳۰ نفر، نشان می‌دهد.

جدول ۳: توزیع فراوانی شاخص‌های نظام مدیریت شهری

گویه‌ها	تعداد/ درصد	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
شرح وظایف مشخص سازمان‌ها	تعداد	۷	۵	۱۰	۶	۲
	درصد	۲۳/۳	۱۶/۷	۳۳/۳	۲۰	۶/۷
دید مشترک مدیران شهری	تعداد	۵	۱۰	۸	۵	۲
	درصد	۱۶/۷	۳۳/۳	۲۶/۷	۱۶/۷	۶/۷
تعدد، تعارض و تناقض قوانین شهری با قوانین و پیشنهادات	تعداد	۵	۱۰	۸	۴	۳
	درصد	۱۶/۷	۳۳/۳	۲۶/۷	۱۳/۳	۱۰
تسریع روند احیا و ساماندهی شیرآباد از طریق هماهنگی سازمانی	تعداد	۴	۱۱	۹	۳	۳
	درصد	۱۳/۳	۳۶/۷	۳۰	۱۰	۱۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸



شکل شماره ۳: نمودار هیستوگرام توزیع فراوانی شاخص‌های نظام مدیریت شهری

جدول ۴: آزمون میانه جهت پاسخ به سوال

Sing test for median: HYP2						
Sing test of median	3.00 versus > 3.000					
HYP2	N	Below	Equa	Above l	P	Media
	۳۰	۱۸	۱	۱۱	۰/۹۳۲۰	۲/۵۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

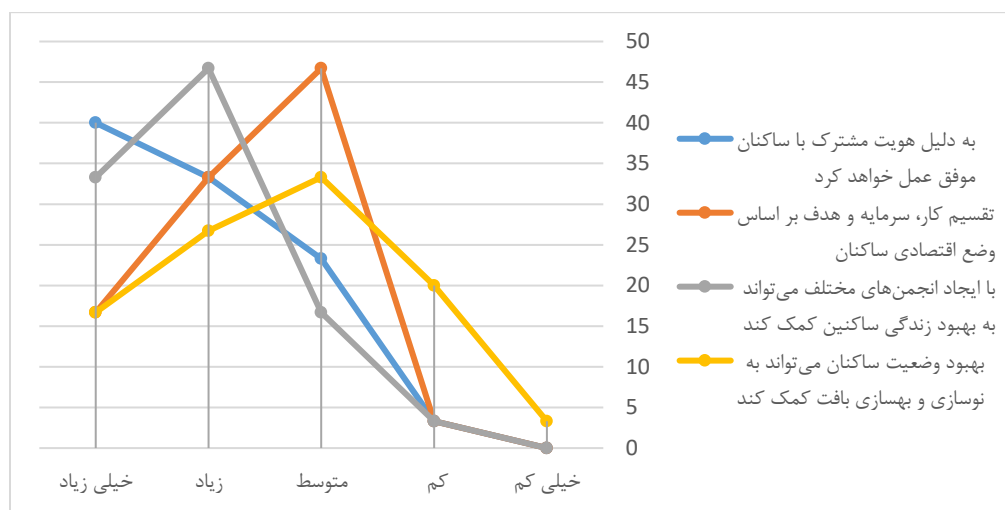
مقدار برآورد میانه‌ی پاسخ‌ها برابر با ۲/۵ است و مقدار احتمال محاسبه شده نیز برابر با ۰/۹۳ است (جدول ۴). با توجه به اینکه مقدار احتمال کمتر از مقدار خطای نوع اول که برابر با ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت هماهنگی بین سازمان‌های متولی اجرای طرح‌های سکونتگاه‌هی غیررسمی زاهدان وجود ندارد و فرض دوم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود.

فرض سوم: میزان موفقیت تعاونی‌های سرمایه گذار بومی در بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی ساکنان برای بهسازی و نوسازی طبق طرح بهسازی و توانمندسازی موجود.

جدول ۵: توزیع فراوانی شاخص‌های نظام برنامه ریزی در تعاونی سرمایه گذار متناسب با واقعیت موجود بافت.

گوپه‌ها	تعداد/ درصد	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
به دلیل هویت مشترک با ساکنان موفق عمل خواهد کرد	تعداد	۰	۱	۷	۱۰	۱۲
	درصد	۰	۳/۳	۲۳/۳	۳۳/۳	۴۰
تقسیم کار، سرمایه و هدف بر اساس وضع اقتصادی ساکنان	تعداد	۰	۱	۱۴	۱۰	۵
	درصد	۰	۳/۳	۴۶/۷	۳۳/۳	۱۶/۷
با ایجاد انجمن‌های مختلف می‌تواند به بهبود زندگی ساکنین کمک کند	تعداد	۰	۱	۵	۱۴	۱۰
	درصد	۰	۳/۳	۱۶/۷	۴۶/۷	۳۳/۳
بهبود وضعیت ساکنان می‌تواند به نوسازی و بهسازی بافت کمک کند	تعداد	۱	۶	۱۰	۸	۵
	درصد	۳/۳	۲۰	۳۳/۳	۲۶/۷	۱۶/۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸



شکل شماره ۴: نمودار هیستوگرام توزیع فراوانی شاخص‌های نظام برنامه‌ریزی در تعاونی سرمایه گذار متناسب با واقعیت

محلات غیررسمی زاهدان در بدترین شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند این محلات با داشتن جمعیت زیاد روز به روز تأثیرات منفی خود را بر دیگر محلات و مکان‌های شهر زاهدان بر جای می‌گذارد. تعاونی‌های عمرانی سرمایه گذار تا وقتی بتوانند پشتوانه دولتی و مردمی داشته باشند بخش مهمی از مشکلات موجود را حل می‌کنند. ساکنان سکونتگاه‌های

غیررسمی به دلیل اینکه دارای پیوندهای اجتماعی و قومی خاص خود هستند، سعی می‌کنند تمایلات قومی و فرهنگی خود را در تمامی برنامه‌های که مرتبط با این محلات می‌باشند در اولویت قرار بدهند و این موضوع تا حدودی مشکل برنامه‌ریزی و ایجاد فرایند توسعه را در مواردی که تعصبات زیادی در بین شهروندان وجود داشته باشد ایجاد کند. البته اشتراکات و استحکامات قومی و فرهنگی خود زمینه ساز توسعه و مشارکت خواهد بود اما در این محله به دلیل مسائل ناامنی که موثر از قاچاق و بزه کاری می‌باشد شرایط فرق می‌کند. بنابراین تا زمانی که شرکت‌های عمرانی سرمایه گذار بتوانند از طریق اشتراکات فرهنگی و اجتماعی موجود بین خود و شهروندان در جهت مثبت استفاده کنند و این بر میزان موفقیت این تعاونی‌ها می‌افزاید و بیش از ۷۰ درصد از پاسخگویان این مسئله را تأیید می‌کنند. بخش دیگری در موفقیت تعاونی‌های سرمایه گذار عمرانی به میزان برنامه‌ریزی و اهدافی برمی‌گردد که بتوانند برنامه‌ها و بخش بندی‌های کاری خود را اولویت بندی کنند. یعنی اولویت بندی کارها بر اساس نیاز محلات کوچک باشد و نیازسنجی دقیقی در تمام بافت‌های غیررسمی صورت بگیرد.

در راستای رسیدن به اهداف تعاونی‌ها می‌توان با ایجاد انجمن ریش سفیدان، معتمدین و تحصیل کردگان زمینه همکاری فکری و اندیشه‌ای شهروندان را فراهم کرد. بیش از ۸۰ درصد از کارشناسان معتقدند که این اقدام تا حد زیاد و خیلی زیاد در موفقیت این تعاونی‌ها موثر خواهد بود. و این اگر برنامه‌ها در راستای هم انجام گیرد می‌توان به بهبود وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان بیانجامد و زمینه ساز نوسازی و بهسازی محلات از طریق تحقق پذیری طرح فراهم گردد.

جدول ۶: آزمون میانه برای پاسخ به سوال

Sing test for median: HYP5						
Sing test of median	3.00 versus > 3.000					
HYP5	N	Below	Equal	Above 1	P	Median
	۳۰	۲۷	۰	۳	۱/۰۰۰۰	۲/۲۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

یافته‌های جدول (۶) نشان می‌دهد، مقدار احتمال محاسبه شده برابر با ۱ است. چون این مقدار از ۰/۰۵ نیست، بنابراین فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان رد نمی‌شود. یعنی میانه پاسخ‌ها به صورت معناداری کمتر از حد وسط گزینه‌ها (عدد ۳) است. مقدار میانه برآوردی برابر ۲/۲ است. نتیجه آن است که: شرکت‌های عمرانی سرمایه گذار (بومی) می‌تواند با توجه به واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان ساکن سکونتگاه غیررسمی موفق عمل کنند.

نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت چگونگی تحقق پذیری طرح ساماندهی و توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد. بدین منظور به بررسی و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از پاسخ‌های کارشناسان پرداخته شد. قطع کمک‌های مالی دولت به شهرداری باعث شده است که شهرداری با کمبود اعتبارات مالی برای اجرای طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی مواجه گردد. و از اینجا که سیستم درآمدی شهرداری بر پایه استفاده از منابع درآمدی ناپایدار بنیان نهاده شده است، امکان اینکه شهرداری بتواند پس از اجرای این طرح با اختصاص منبع درآمدی پایدار تحقق آن‌ها را تضمین بخشد، وجود نداشته است. و این امر باعث گردیده است که طرح ساماندهی و توانمندسازی منطبق با امکانات و توان مالی شهرداری تدوین نگردد. از طرف دیگر شهروندان ساکن در بافت غیررسمی شهر به دلیل محرومیت ناشی از نابرابری‌های زیر ساختی توان اقتصادی مناسبی جهت همکاری در اجرای طرح ساماندهی و توانمندسازی را ندارند. اهمیت این موضع بدان خاطر است که با وجود اینکه شهرداری موظف به اجرای طرح ساماندهی و توانمندسازی است اما به دلیل اینکه شهروندان مستقیم و غیر مستقیم درگیر این مسئله خواهند شد و باید بتوانند زمینه توسعه کالبدی-فضایی محلات با تحقق طرح ساماندهی و توانمندسازی فراهم بیاورند، باید دارای توان اقتصادی مناسبی باشند.

نبود مدیریت واحد و مطلوب شهری و بی توجهی شهرداری به عنوان سازمان موثر در اجرای این طرح روز به روز بر بی توجهی این مدیران به سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان افزوده می‌شود. چرا که عدم اقتدار شهرداری در برقراری هماهنگی‌های سازمانی و ارگان‌های دخیل در امر عمران شهری، نبود شرح وظایف مشخص برای سازمان‌های که وظیفه مداخله در این بافت‌های شهری را به عهده دارند و نبود آگاهی و دید مشترک در مدیران شهری باعث شده است که علی‌رغم واگذاری وظیفه نظارت بر تهیه و اجرای طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی به شهرداری‌ها، کماکان این سازمان از برقراری هماهنگی بین فعالیت‌های ارگان‌های مختلف ناتوان می‌باشد.

وجود ساخت فرهنگی و اجتماعی منحصر به فرد سکونتگاه‌های غیررسمی زمینه برنامه‌ریزی و توسعه را با نوعی حساسیت مواجه کرده است. ساخت فرهنگی و اجتماعی این محلات به دلیل اینکه نوعی قوم‌گرایی نسلی در آن وجود دارد و از آموزش‌های فرهنگی و برنامه‌ریزی‌ها، زمینه‌ای برای بهبود و کارکردی کردن فرصت‌های ناشی از آن محروم بوده‌اند. این موضوع تا بدان حد اهمیت می‌یابد که طرح ساماندهی و توانمندسازی و طرح‌های توسعه شهری توجه ویژه‌ای می‌طلبد تا بتوان با مطالعات جغرافیایی و جامعه شناختی دقیق در بخش‌های مورد نیاز و موثر این طرح ساخت فرهنگی و اجتماعی را در نظر گرفت. چرا که در نظر نگرفتن این ساخت‌های موجود این محلات جدای از درست یا نادرست بودن آن، مانعی برای تحقق این طرح‌ها به حساب می‌آید.

در نظام برنامه‌ریزی و توسعه کشور توجه ویژه به بخش‌های خصوصی در قسمت‌های حساس جهت برون رفت از بحران‌های بزرگ اهمیت ویژه‌ای دارد. بافت‌های فرسوده و غیررسمی به عنوان بحرانی مهم به خصوص در کلان شهرها مطرح می‌باشد. شاید سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان جزو معدود محلاتی می‌باشد که بیشتر از میانگین بحران‌های ایجاد شده در بافت‌های فرسوده را داشته باشد. و این نیازمند توجه ویژه دادن به این موضوع است. لذا تعاونی‌های عمرانی سرمایه گذار بومی با شرایط

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند بسترساز همکاری و هماهنگی شهروندان این محله باشد و بتوان با دیگر هماهنگی‌های مورد نیاز این تعاونی‌ها در جهت اجرای طرح سامان‌دهی و توانمندسازی در محلات غیررسمی شهر است. چرا که این تعاونی‌ها می‌توانند زمینه اعتماد ساکنان این محلات را به دست آورده و آن‌ها را همراه و همگام در اجرای طرح‌های توسعه و برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری کنند که این خود با راهبردهای مختلفی که هر کدام از تعاونی‌ها می‌توانند داشته باشند مرتبط است. و شاید تنها بتوان درگیر کرده این شهروندان در یک کار اقتصادی که هم وضعیت اقتصادی بافت را بهبود بخشد و هم بتواند زمینه توسعه و عمران محله را ایجاد کند.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که طرح سامان‌دهی و توانمندسازی شهر زاهدان در محدوده بافت غیررسمی شهر مطابق با امکانات مالی وی بودجه شهرداری و توان اقتصادی شهروندان تدوین نشده است، بین سازمان‌های متولی طرح سامان‌دهی و توانمندسازی هماهنگی وجود ندارد و قوانین و مقررات شهرسازی از دقت عملیاتی برخوردار نیستند. محتوای طرح سامان‌دهی و توانمندسازی تدوین شده منطبق با واقعیت‌های موجود سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان طراحی نشده و در این طرح مشارکت‌های مردمی و نظرات آن‌ها لحاظ نگردیده است. و بر اساس عامل ذکر شده طرح سامان‌دهی و توانمندسازی زاهدان از قابلیت تحقق خیلی کمی برخوردار است.

پیشنهادها

در فرایند انجام تحقیق از طریق مطالعات صورت گرفته، مشاهدات و گفتگو با صاحبان اندیشه، در رابطه با موضوع تحقق پذیری طرح سامان‌دهی و توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی، موضوعاتی مطرح شد که می‌تواند جهت تحقق طرح سامان‌دهی و توانمندسازی به کار گرفته شود. پیشنهادهای زیر حاوی نکات و راه کارهای است که اجرای آن‌ها می‌تواند مسیر کلی تحقق پذیری طرح سامان‌دهی و توانمندسازی را بهبود بخشد و موفقیت در زمان و اجرای آن را افزایش دهد

- پیشنهاد می‌گردد که استانداری، شهرداری و اداره راه و شهرسازی، خود را با تحولات جدید دولت هماهنگ کنند تا ظرفیتی را که دولت جدید در ساختار بخش‌های اقتصادی کشور فراهم کرده است، زمینه حضور بخش‌های خصوصی برای تحول در امور توسعه کشور فراهم بیاید و این ظرفیت مهم می‌تواند جهت نوسازی و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان و اجرای طرح سامان‌دهی و توانمندسازی و همین‌طور دیگر محلات فرسوده شهر زاهدان بسیار موثر و نقش آفرین باشد.
- برنامه‌ریزی برای اجرای طرح سامان‌دهی و توانمندسازی در محدوده چهار محله شیرآباد، کریم آباد، بابائیان و پشت گاراژها صورت بگیرد. اگر چنانچه شهرداری به هر دلیلی از جمله کمبود بودجه و یا آزمون شیوه‌های تحقق‌پذیری طرح سامان‌دهی و توانمندسازی بخواهد از محله‌ای خاص شروع کند، بی شک آن سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان خواهد بود؛ چرا که با توجه به این پژوهش و پژوهشی دیگر که با عنوان اولویت بندی مداخله در بافت‌های فرسوده شهر زاهدان توسط نگارنده انجام گرفته است، و نتیجه مطالعات میدانی و پرسشنامه‌ای که با مدل AHP تحلیل گردید به این نتیجه رسید که اولویت مداخله در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و فرهنگی سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان می‌باشد.

- قوانین جدید طرح ساماندهی و توانمندسازی از جمله ممنوعیت پیش‌آمدگی در معابر، کاهش تراکم‌های تجاری در ساختمان‌های نوسازی که مشمول استفاده از کاربری تجاری هستند و قوانین مربوط به محدودیت تراکم و جرایم ناشی از آن پیرو قوانین طرح ساماندهی و توانمندسازی قدیمی‌تر عمل گردد تا با توجه به ویژگی‌های خاص این محلات و ضعف اقتصادی و مشکلات و فرسودگی شدید کالبدی زمینه تحول و تحقق طرح ساماندهی و توانمندسازی را سریع‌تر فراهم آورد و اعتماد و زمینه مشارکت شهروندان را ایجاد نماید.
- با توجه به اینکه، یکی از اهداف اجرای طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی در سکونتگاه‌های غیررسمی، حفظ ساکنان بومی این محله و جلوگیری از تغییر مکان آن‌ها به دیگر محلات شهر زاهدان باشد. با این وجود در رابطه با پروژه بهسازی بانک جهانی، تعداد زیادی از ساکنان منازل شهروندان این محله‌ها در محدوده طرح قرار گرفته و مجبور به ترک محل زندگی خود شده‌اند و بعداً دوباره به شیرآباد رجعت کرده‌اند. بر این اساس شهرداری با همکاری نیروی انتظامی باید تلاش کند در راستای اجرای و حتی مطالعات اولیه اجرای طرح ساماندهی و توانمندسازی احساس امنیت را در شهروندان ایجاد کند تا به این وسیله هم اجرای شدن طرح سهل‌تر خواهد شد و هم زمینه مشارکت شهروندان فراهم می‌گردد.
- قوانین و مقرراتی را که در طرح ساماندهی و توانمندسازی مربوط به سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان می‌باشد باید طوری بازنگری کرد که آن بخش از قوانین که نیازمند هماهنگی و همکاری و یا دخالت سازمان‌های دیگر است و این موضوع مشکلاتی را از جمله صرف وقت و هزینه برای شهرداری ایجاد خواهد کرد، باید اولویت بندی بر اساس نیاز محلات غیررسمی، توان شهرداری و قوانینی که نقش محوری را به شهرداری می‌دهند باشد. مانند خدمات ابتدایی و عمومی شهرداری همچون آسفالت معابر، تأمین بهداشت محیط، تأمین خدمات رفاهی و سرگرمی همچون شهر بازی برای کودکان و ایجاد بوستان‌های جهت تأمین فضای سبز.
- کارگروهی تخصصی از کارشناسان اداره راه و شهرسازی و شهرداری و همچنین نخبگان مردمی و معتمدین تا طرح ساماندهی و توانمندسازی مربوط به سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان را بازنگری کنند. و نسبت به سرانه‌های پیشنهادی تغییراتی اعمال کنند و ضوابط مربوط به کاربری‌های مسکونی، حمل و نقل و دسترسی‌ها، کاربری‌های تجاری، کاربری‌های آموزشی و بهداشتی و ضوابط مربوط به کاربری‌های فرهنگی و مذهبی و فضای سبز را طوری طراحی کنند که گویی بحرانی پیش آمده است و باید سعی گردد تا این بحران را در کوتاه‌ترین زمان ممکن و کمترین هزینه‌ها مدیریت کرد.
- ایجاد تعاونی‌های عمرانی سرمایه‌گذار بومی که بتوانند با راه اندازی سرمایه و برنامه در این محله زمینه ساز توسعه و بهسازی شوند. یعنی بسیاری برای فعالیت این تعاونی‌ها ایجاد گردد تا با اختصاص معافیت‌های مالیاتی و حمایت‌های دولتی به خصوص در ایجاد تأمین امنیت آن را در جهت سرمایه‌گذاری در این محله تشویق و ترغیب کرد.
- شهرداری جهت رسیدن به اهداف خود از قبیل انجام پروژه‌های شهری، تقویت معابر، تثبیت کاربری‌ها، آزاد سازی و ... نیاز به یک حامی مالی دارد. این حامی مالی می‌تواند خود مردم شهر باشند که از طریق سهام‌گذاری و یا خرید اوراق در فرایند سرمایه‌گذاری شرکت داشته باشند. این کمک‌های مردمی نیز می‌تواند از طریق شرکت‌های زیر مجموعه شهرداری

مانند تعاونی مالی اعتباری شهر مناسب سازی و بستر سازی شده و در اختیار بخش خصوصی جهت آزاد سازی و اجرای پروژه ها قرار گیرند.

منابع

- بردی آنامرادنژاد، رحیم، ملکشاهی، غلامرضا، محمدی، عبدالحمید، ۱۳۹۳، ارزیابی نقش سکونت گاه‌های غیررسمی در گسیختگی فضایی ساختار شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد کاووس)، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال ۴، شماره ۴، ص ۸۶-۶۵.
- پوراحمد، احمد، حسین حاتمی نژاد، حسینی، سید هادی، ۱۳۸۵، آسیب شناسی طرح های توسعه شهری در کشور، پژوهش های جغرافیای انسانی، سال ۱، شماره ۵۸.
- پیران، پرویز، ۱۳۸۱، باز هم در باب اسکان غیررسمی (مورد شیرآباد زاهدان)، در فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، ص ۲۴-۷.
- پیری، عیسی، رضاییان، مهدی، ۱۳۹۳، امکان‌سنجی توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی (مطالعه موردی: سکونت‌گاه‌های غیررسمی کلانشهر تبریز)، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، سال ۵، شماره ۱۰، ص ۷۲-۶۳.
- حسین آبادی، سعید، ۱۳۹۱، ارزیابی نقش توانمندسازی در بهبود وضعیت اسکان غیررسمی نمونه موردی محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- زالی، نادر، رحمتی، یوسف، چاره، نجمه، ۱۳۹۴، ارزیابی و نقدی بر طرح ساماندهی و توانمندسازی سکونت گاه های غیررسمی شیراز؛ مطالعه موردی محله مهدی آباد (کتس بس)، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ۶، شماره ۲۳، ص ۱۱۵-۱۳۲.
- شکوئی، حسین ۱۳۷۳، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت تهران.
- سرگلزایی جوان، طیبه، هادیانی، زهره، ۱۳۹۵، امکان‌سنجی توانمندسازی محله‌های اسکان غیررسمی از طریق افزایش سرمایه اجتماعی در شیرآباد شهر زاهدان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۶، شماره ۶۳، ص ۲۱۳-۱۸۵.
- نظریان، اصغر، ۱۳۹۰، بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه‌نشینی و بازتاب‌های آن، با تأکید بر کاربری خدمات شهری (مورد: شهر یزد)، جغرافیای سرزمین، سال ۸، شماره ۳۱، ص ۴۹-۳۱.

Caves, R, (2005): encyclopedia of the city, london, routledge.

Emer, Dick (2008): What Are Enabling Housing Strategies? A Paper from Seminar in Barcelona in April 2008, Presented in Seminar: Are A Architects and Planners Obstacles to Slum.

Geuzey, O. (2009): Urban regeneration and increased competitive power: Ankara in an era of globalization; Cities; vol.26.

Jidauna, G. (2011): The Effect of Climate Change on Agriculture in Selected Settlements of Sudano-Sahelian Region of Nigeria, Scholars Research Library, Archives of Applied Science Research, Volume 3, Number 6, Pages. 154-165.

Morgan, Julia (2016): Participation, empowerment and capacity building: Exploring young people's perspectives on the services provided to them by a grassroots NGO in sub-Saharan Africa, Children and Youth Services Review 65.

Masek, T.G., Luidsay, F.E., and Goward, S.N., (2000) : Dynamics of Urban Growth in the Washington DC. Journal Metropolitan Area, 1973 – 1996, for Land Sat Observation, International Journal of Remote Sensing Vol.

Ndabula, C. (2014): Analysis of Urban Floodplain Encroachment: Strategic Approach to Flood and Floodplain Management in Kaduna Metropolis. Journal of Geography and Geology, Vol.4, No.1, Pages. 170-182.

Pacione, M. (2005): Urban Geography, Cambridge University Press.

Yang, X., and LO, C.P., (2014): Modeling Urban Growth and Landscape Changes in the Atlanta Metropolitan Area. International Journal of Geographical Formation Systems, Vol. 17(5):463- 488.

Assessing the success rate of planning and empowering informal settlements with an emphasis on expert opinion (a case study of Zahedan city)

Fereshteh Sheibani Moghaddam²1, Rahim Sarvar²

1 PhD Student in Geography and Urban Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2 Associate Professor of Geography and Urban Planning, Imam Memorial Branch in Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

received the article: 2019/04/25

accepted of the article: 2019/06/14

Abstract

One of the consequences of the global process of urban growth and development is the formation of poor neighborhoods in the margins of the cities and is one of the issues that has always been the subject of studying and planning international forums in many cities around the world. To address this, the empowerment approach in the 1980s, which considers informal communities not as a dilemma but as a social asset, is to replace empowerment with the culture of poverty. Therefore, the present research studies the success rate of organizing and empowering informal settlements in Zahedan city using quantitative and qualitative statistical methods and qualitative approaches of experts. This research is applied in terms of purpose and nature, which has been used in field studies by interviewing experts. The results of the research show that Zahedan's organization and empowerment plan in the unofficial context of the city according to the financial and municipal funds and citizen's economic capacity are not developed.

Keywords: Organizational Planning and Empowerment, Informal Settlements, Zahedan City.

² (Corresponding Author): fereshthesheybani1.57@gmail.com